



# مرور در پادشاهی کورن

بررسی رمان دریای سرگسو اثر جین ریز

محمد شریف سعیدی

ماه را خط بز  
پایین بکش ستارگان را  
در تاریکی عشق بازی کن زیرا ما بسیار تاریکیم  
به زودی به زودی (ص ۱۴۳).

یک مدرسه فقیر می‌رود. او بعد پایان تحصیل از طریق آگهی کارایی به جستجوی کار می‌پردازد. جین ایر به عنوان معلم خصوصی در یک خانواده مرفه استخدام می‌شود. در آن خانه شخصی است که راجستر نام دارد. آقای راجستر عاشق جین ایر می‌شود و به خوشی و شادمانی جین ایر را عقد می‌کند. آقای راجستر پیش از این ازدواج کرده است. زن او دچار بیماری روانی است و در بالکن طبقه بالا، به تنهایی زندگی می‌کند و ارتباطی با جهان ندارد. جین ایر از دریافت این امر زخمی و خشگمین می‌شود و از خانه فرار می‌کند. در مسیر فرار از خانه در بیان سرسبزی از خستگی فیزیکی و فکری بیهوش می‌شود. خانواده‌ای که در آن نزدیکی است او را در حالت بیهوشی پیدا می‌کنند. پسر جوان و زیبای خانواده عاشق او می‌شود، اما جین ایر همچنان عاشق آقای راجستر است. جین ایر از سفر فرار برمی‌گردد و با آقای راجستر ازدواج می‌کند و صاحب فرزند می‌شود و زندگی رؤیایی را رقم می‌زند.

رمان جین ایر تصویرگر رابطه رؤیایی شرق و غرب است. دختر فقیر و سختی کشیده شرقی به رؤیای زندگی در غرب و ازدواج با یک شخص اروپایی می‌رسد. عشق در این جا مرکز ثقل تشکیل خانواده است و هر دو جانب سعی دارند که این عشق را زنده نگه دارند تا به زایش برسند. در رمان شارلوت برونته، شرق دختر فقیر و زیبایی است که با بحران‌های خانوادگی و فقر و فلاکت بزرگ می‌شود. او سعی می‌کند زبان‌های غربی را یاد بگیرد تا از طریق زبان‌های غربی به بازار کار غرب برسد و از زبان و ادبیات و هنر غربی شناخت حاصل کند و سرانجام جای پای در غرب پیدا کند و از طریق جای پا پیدا کردن در خانواده غربی به عشق و رؤیاهای زندگی اش برسد. آقای راجستر مرد درشت قامت و فربه است که بیشتر به سوارکاری و شراب‌نوشی سرگرم است و معنی زندگی برای او رفاه، سکس و سرمایه است. در واقع رابطه شرق و غرب در رمان جین ایر رابطه‌ی او دادن خویشتن شرقی برای ارضای غرب است و غرب نیز به سوارکاری و سرور و سرخوشی با شرق رفاقت می‌کند.

### رمان دریای سرگسو

رمان دریای سرگسو اثر ماندگار جین ریز، نقطه مقابل رمان جین ایر اثر رمانتیک شارلوت برونته است. در رمان دریای سرگسو شرایط کاملاً برعکس است و اتفاقات و شخصیت‌ها مسائل عمیق دیگری را بیان می‌کند. در رمان دریای سرگسو آقای راجستر از غرب به شرق سفر می‌کند و در جزیره اقیانوس سرگسو با دختر زیبا و جوانی به نام آنتونیتو ازدواج می‌کند. آنتونیتو از آغاز ازدواج نسبت به موفقیت این ازدواج شک عمیق دارد و فکر می‌کند ازدواج آن‌ها سرانجام موفقی ندارد. آن‌ها باهم ازدواج می‌کنند و درست در ماه عسل ازدواج‌شان آقای راجستر با یک دختر جوان آفریقایی رابطه جنسی برقرار می‌کند. در پایان آقای راجستر به لندن برمی‌گردد و آنتونیتو دچار بیماری روانی و دیوانه می‌شود.

جین ریز رابطه غرب و شرق را رابطه پرتنش، بیمارگونه و تراوماتیک می‌داند. برخلاف آن‌چه آقای راجستر در جین ایر انجام می‌داد که تلاشش رابطه جنسی، شراب‌خواری و سرمایه بود و در کنار همه این‌ها دختر شرقی را عاشق خود کرده بود این‌جا در رمان دریای سرگسو آقای راجستر نماد جنس قلدر مرد غربی، نماد خیانت و تجاوز به جان و مال و ناموس شرق، نماد برده‌سازی سیاهان و وارث خسیس ارضیه‌های سرقتی غرب و

به طور معمول تحلیل رمان در غرب در پیوستگی با یکی از مکتب‌های فکری و با ارائه کردن نظریه‌های علمی و تحلیلی در آن مکتب به بررسی گرفته می‌شود. هر رمان برجسته، تعلق به یک مکتب فکری دارد و با دیدگاه و نظریه‌های صاحب نظران عرصه تفکر و فلسفه در هماهنگی است. به طور نمونه رمان دریای سرگسو از نویسندگان والا قلم جین ریز به مکتب پسا استعماری و با دیدگان صاحب نظران این مکتب قابل بررسی است. در عرصه نظریه‌پسا استعماری، دیدگاه‌های ادوارد سعید متفکر، ادیب و هنرمند فلسطینی- امریکایی جایگاه ویژه دارد.

ادوارد سعید، نگاه غرب به جهان سوم را نگاه تقلبی، خود ساخته و معطوف به منافع غرب می‌داند. سعید چهار نکته را در دیدگاه غرب از شرق بیان می‌کند:

۱. بین شرق و غرب تفاوت عمیق و مطلق است؛
  ۲. غرب شناخت درستی از شرق ندارد و یا بهتر است گفته شود غرب تصویر خود ساخته و دروغینی از شرق ساخته است؛
  ۳. غرب وضعیت ثابت و غیر قابل توسعه دارد، به این معنی که غرب به ثبات هویت و شناخت رسیده و هرگونه تغییر هویت و شناخت رانمی‌پذیرد؛
  ۴. شرق سیف یا غیر فعال است.
- ادوارد سعید علت وضعیت شرق و نتیجه چهارگانه بالا را نیز در چهار چیز می‌داند و چهار دلیل برای وضعیت شرق و نگاه غرب ارائه می‌کند:
۱. استبداد شرقی؛
  ۲. وضعیت ثابت اجتماعی که تأثیر ناپذیر است و هر نوع تغییر اساسی و به روز را رد می‌کند؛
  ۳. مشکل وضعیت جنسی یعنی وضعیت تغییرناپذیر هویت مردانه و زنانه؛
  ۴. بی‌نظمی و بی‌قانونی جاری در جوامع شرقی.

۲

رمان دریای سرگسو در واقع دوباره‌نویسی درست رمان جین ایر اثر شارلوت برونته است. شخصیت‌های این دو رمان نام‌های واحد دارند. اتفاقات و حوادث نیز واحدند؛ اما رفتار و گفتار شخصیت‌ها کاملاً ضد هم‌اند. رمان جین ایر رمان بسیار شناخته شده و از پر فروش‌ترین‌های جهان رمان. رمان دریای سرگسو بر خلاف رمان جین ایر، هنوز به زبان فارسی ترجمه نشده است. این رمان به عنوان یک شاهکار ادبی که با بیست سال زحمت نوشته شده است و تعداد صفحاتش هم به ۱۵۰ می‌رسد. این رمان جزو متون درسی برای تحلیل رمان در دانشگاه‌های غربی نیز تحلیل و ارزیابی می‌شود و از جمله بهترین‌ها است. این رمان به فارسی ترجمه نشده است.

برای درک رمان دریای سرگسو ضروری است که اول رمان جین ایر را بخوانیم؛ زیرا این رمان خود نقد یک رمان دیگر است:

جین ایر رمانی است مبتنی بر تصویر رمانتیک غرب از شرق. جین ایر دختر شرقی است که در شرایط ناگواری بزرگ می‌شود به زحمت به



محافظ محکم قدرت غرب است. برخلاف جین ایر، آنتونیتو دختر بدبین و شکاک است که غرب را کابوس سرد و وحشتناک می‌پندارد. یک جا آنتونیتو می‌گوید: لندن کابوس سرد و خشک و سیاه است. جین ریز تصویر تکان دهنده از واقعیت‌های رفتاری و پنداری و گفتاری شرق و غرب ارائه می‌کند. جین ریز رمانش را شاعرانه و سرشار از استعاره و کنایه و زبان فحیم و عمیق و مشعشع می‌نویسد. پیام پنهان در واژه‌واژه این رمان، پیام فکر شده، شاعرانه، سمبلیک، قوی و بسیار سنگین است. حالا رمان را از چند زاویه تحلیل می‌کنم

۳

### ارزیابی رمان از چند نظر:

#### ۳/۱ زبان شاعرانه

نه تنها تعداد قابل توجهی از ترانه‌ها و شعرها در این رمان که خود زبان رمان شاعرانه است. منظور من از زبان شاعرانه زبانی است که واژه‌واژه آن خوش فرم، دارای بار سنگین معنا و قابلیت برای برداشت‌های چندگانه، تصویرسازی چشمگیر و موسیقی سرشار داشته باشد. به این نمونه‌ها نگاه کنید.

هنگامی که از کلیسا بیرون شدیم، دست او را در دستم فشردم. سرد بود همچون یک تکه یخ در گرمای داغ خورشید (ص ۶۳).

گل‌هاقر مزر، کوه‌ها بلندتر، تپه‌ها نزدیک‌تر و زن تنها یک بیگانه (ص ۵۷). در همین جمله کوتاه «وزن تنها یک بیگانه» بار سنگینی از معنی گذاشته شده است. به طور معمول خیلی از جملات این رمان را می‌شود یک‌جا کرد؛ اما تأمل او در کنایه فضای رمان باعث شده است که هر از چند کلمه یک نقطه بگذارد تا کمی از سنگینی بار کاسته شود و خواننده نفس بگیرد. او گفت «حقیقت دارد که انگلستان یک رؤیاست؟» یکی از دوستان من که با یک مرد انگلیسی ازدواج کرده و رفته انگلستان برایم نوشته است. او گفته است که گاه این سرزمین این لندن یک رؤیای تاریک و سرد است، من می‌خواهم بیدار شوم (ص ۶۶).

گاه دو شاعر بی آن که از یک دیگر خبر داشته باشند بیت‌های شبیه هم را می‌سرایند که این امر را در شعر توارد می‌گویند. در نثر کم اتفاق می‌افتد که دو نویسنده جملات بسیار شبیه هم نوشته باشند و تصویرهای شبیه هم ایجاد کرده باشند. در رمان دریای سرگسو پاراگراف کوتاهی یافتیم که تقریباً مثل آن در رمان صد سال تنهایی اثر گابریل گارسیا مارکز است.

یک صبحدم دقیقاً بعد از این که ما وارد شدیم، شاخساران درختان بلند بیرون پنجره‌ام پر بودند از گل‌های کوچک سفید و چنان شکننده که با خرد بادی بی تابانه به زمین می‌افتادند. همه آن گل‌های سپید شکننده تنها به یک روز به زمین ریختند و چنان برفی که روی سبزه‌زار بنشیند به زمین نشستند. برفی با بوی خفیف روشن. بعد باد آن‌ها را با خود برد (ص ۷۲).

#### سمبل‌ها

#### طوطی:

جین ریز از سمبل‌ها و استعاره‌ها و تشبیهات بهره‌آفر برده است. این عناصر سبکی بیشتر در شعر قابل بهره‌گیری است تا نثر. جین ریز از زبان با شکوه شاعرانه بهره می‌گیرد و شاعرانه رمان می‌نویسد. در دریای سرگسو چندین سمبل وجود دارد که از اهمیت خاصی برخوردار است. یکی از شخصیت‌های سمبلیک رمان یک طوطی است که بال‌هایش را

رمان دریای سرگسو در واقع دوباره‌نویسی درست رمان جین ایر اثر شارلوت برونته است. شخصیت‌های این دو رمان نام‌های واحد دارند. اتفاقات و حوادث نیز واحدند؛ اما رفتار و گفتار شخصیت‌ها کاملاً ضد هم‌اند. رمان جین ایر رمان بسیار شناخته شده و از پر فروش‌ترین‌های جهان رمان. رمان دریای سرگسو بر خلاف رمان جین ایر، هنوز به زبان فارسی ترجمه نشده است.

## شخصیت‌ها

شخصیت‌ها در گروه‌های کودک، نوجوان، بزرگسال، زن و مرد تقسیم می‌شوند که نقش‌های جداگانه و خاصی در رمان بازی می‌کنند. این یک رمان چند صدایی است. مردم محل مردم اهل جامایکا هستند که مردمان فقیر اما دارای احساس هویت قوی هستند و به سفیدپوستان سوسک‌های سپید می‌گویند. یک‌بار هم یک دختر سیاه یک سفید را می‌گیرد و تهدید می‌کند و می‌گوید تو برده من هستی. تو یک برده سفید هستی. چرا برده‌ها باید سیاه باشند. مردم محل از احساس هویت بسیار مستحکم برخوردارند و به‌خصوص از غربی‌ها متفرند و آنان را سوسک‌های سپید می‌نامند. همه مردم البته این‌گونه نیستند و هستند شخصیت‌هایی که دچار بحران هویت‌اند. آنتونیتویکی از شخصیت‌هایی است که دچار بحران هویتی است. او نه سیاه سیاه است و نه سفید سفید و ریخت چهره‌اش نه اروپایی است و نه آفریقایی. او دچار بحران شدید روحی و هویتی است. آنتونیتو زخم‌های زیاد با خود دارد و گاه در آینه با خودش حرف می‌زند.

«دختری را که من دیدم من بودم؛ اما من واقعی من نبود. مدت‌ها پیش زمانی که من کودک بودم تلاش کردم که او را ببوسم؛ اما شیشه در میان ما بود، سخت، سرد و مه زده از نفس‌های من. حالا آن‌ها همه چیز را برده‌اند. من در این جا چه می‌کنم من که هستم؟ (ص ۱۴۳). وقتی نزدیکش آمدم، سنگ گوشه دار را در دستش دیدم؛ اما سنگ را نینداخت. من چیزی احساس نکردم؛ اما ناگهان چیزی تر از چهره‌ام پایین دويد، ما همدیگر را تماشا کردیم، خون بر رخساره من، اشک بر رخساره او. انگار خودم، خودم را می‌دیدم؛ چنان‌که در آینه» (ص ۳۷).

### منابع:

- <https://article.tebyan.net/309014/-%D8%B4%D8%B1%D9%82-%D8%B4%D9%86%D8%A7%D8%B3%DB%8C-%D8%A7%D8%AF%D9%88%D8%A7%D8%B1%D8%AF-%D8%B3%D8%B9%DB%8C%D8%AF>  
- [https://liu.se/ikk/litt-vet/litteraturvetenskap-4/filarkiv\\_-\\_magisteruppsats/1.165475/Detfinnsallidenannansida.pdf](https://liu.se/ikk/litt-vet/litteraturvetenskap-4/filarkiv_-_magisteruppsats/1.165475/Detfinnsallidenannansida.pdf)  
- Jean Rhy, Sargassohavet, Stockholm, modernista

از جهت تکنیک و فن، این مجموعه در قالب شعر کلاسیک قرار می‌گیرد؛ زبان و بافت ادبیات بومی را به خدمت گرفته و از واژه‌های محلی استفاده کرده است. بیشتر این شعرها برای ترانه شدن ساخته شده‌اند. این شعرها جناحی و یا تفکر خاصی را دنبال نمی‌کنند و بیشتر عامیانه هستند که در ذکر آن‌ها می‌شود تمام این مجموعه را مثال زد.

بریده‌اند. این طوطی سرانجام به هنگام آتش گرفتن خانه در آتش می‌سوزد و با بال‌های آتش گرفته از پنجره پر از آتش با بال‌هایی از آتش به زمین می‌پرد. این طوطی گویا خود آنتونیتو و خود شرق است که طوطی وار حرف زدن یاد بگیرد و سرانجام در قفس خود به آتش دیگران بسوزد. چرا بال‌های طوطی بریده شده‌اند؟ مگر نه این است که آنتونیتو پدر و مادر ندارد و دختر یتیمی است؟ آن زیبایی طوطی، آن بی‌همزبانی طوطی، آن تنهایی طوطی چنان می‌نماید که طوطی روح رنگین و بی‌زبان آنتونیتو است که بی‌بال پریدن را در آتش می‌آزماید. طوطی که آنتونیتو باشد باید هر آن‌چه را صاحبش می‌گوید یاد بگیرد. گاه طوطی‌های خانگی را نام‌گذاری می‌کنند. در جایی از رمان آقای راجستر تصمیم می‌گیرد که بعد از این آنتونیتو را برتا صدا کند. این که چرا نام آنتونیتو را به برتا تغییر می‌دهد دلیلش دل خود آقای راجستر است و آنتونیتو تسلیم محض تصمیم‌های آقا است.

### گوشواره:

یکی از شخصیت‌های مهم رمان دریای سرگسو خان کریستوفین است. کریستوفین خانم سالخورده و هوشمندی است با رنگ شکلاتی و گوشواره به اندازه یک نعلبکی که لایه گوشش را به پایین می‌کشد. او خدمتکار خانه است و در عین حال آدم عاقل و با جسارت. او یختن گوشواره بزرگ و سنگین که از طرفی با واقعیت‌های سنت و رواج‌های آفریقایی‌ها تطابق دارد عجیب‌ن‌دیشه شده است با سمبلیک شدن آن برای سرفروگذاری و خدمت‌گذاری و گوش ۱۳۹۲ به فرمانی.

### خرچنگ:

یک روز آفتابی آقای راجستر در یک برکه کوچک و شفاف آب تنی می‌کند که ناگاه از درز سنگ‌ها خرچنگی بیرون می‌آید. پیش از این که خرچنگ به سمت او بیاید او به خرچنگ حمله می‌کند و خرچنگ مجبور می‌شود پس در غار خودش برود؛ اما آقای راجستر به این قناعت نمی‌کند؛ بلکه چند سنگ کوچک و بزرگ را در دهان غارش فرو می‌کند تا دیگر هیچ‌وقت بیرون نیاید. خرچنگ سمبل اعتراض و حرکت مخالف است که در نطفه خفه می‌شود.

